

طراحی و اعتباریابی الگوی تعاملات والد- فرزند مبتنی بر آموزه‌های قرآنی با تمرکز بر رویکرد سهم‌گذاری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

سکینه علی طالکوئی*

معصومه اسمعیلی**

احمد بر جعلی***

محمد عسگری****

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل ویژگی‌های محتوایی الگوی تعاملات والد- فرزند مبتنی بر آموزه‌های قرآنی با تمرکز بر رویکرد سهم‌گذاری است. برای انجام دادن پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده کرده و گردآوری داده‌ها را با استفاده از اسناد مکتوب انجام داده‌ایم. جامعه تحقیق، قرآن کریم و تفسیر نور را شامل می‌شود. واحدهای تحلیل در این پژوهش، آیه‌های مرتبط با تعاملات والد- فرزند هستند که ابتدا به شیوه هدفمند از قرآن و سپس از تفسیر نور انتخاب شده‌اند و برای تحلیل داده‌ها از شیوه تحلیل مضمون استفاده شده است. پس از انجام دادن کدگذاری‌ها با محور عاملیت انسان سهم‌گذار، دو مضمون فراگیر مسئولیت‌های والدین و مسئولیت‌های فرزندان به دست آمد و بر همین اساس، شش مضمون سازمان‌دهنده، هجده مضمون پایه و ۶۴ مصداق برای مسئولیت‌های والدین استخراج شد. یافته‌ها نشان می‌دهد مضامین سازمان‌دهنده مسئولیت‌های والدین در قبال فرزندان، شامل تکریم فرزند، تربیت دینی فرزند، توانمندسازی فردی فرزند، توانمندسازی اجتماعی فرزند، اعتقاد به تولید و توسعه نسل، و مراقبت از فرزند است؛ علاوه بر آن، دو مضمون سازمان‌دهنده، شش مضمون پایه و شانزده مصداق برای مسئولیت‌های فرزندان استخراج شد. یافته‌ها نشان می‌دهد مضامین سازمان‌دهنده مسئولیت‌های فرزندان در قبال والدین، شامل احسان و اطاعت هستند. واژه «احسان» به دلیل وسعت معنایی چشمگیر آن، مضامینی همچون انفاق به والدین، دعا کردن برای والدین، قدرشناسی از والدین، تواضع در برابر والدین، احترام گزاردن به والدین و گفتار کریمانه با والدین را دربر می‌گیرد. در نهایت، این مضامین به صورت شبکه تارنما ترسیم و روابط آن‌ها در قالب الگو نشان داده شده است. اعتباریابی درونی الگو نیز با استفاده از روش دلفی انجام شده است و نشان می‌دهد الگو از روایی محتوایی زیادی برخوردار است.

واژگان کلیدی: الگوی تعاملات والد- فرزند، آموزه‌های قرآنی، رویکرد سهم‌گذاری.

* دانشجوی دکتری گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

drasali.93@gmail.com

masmaeili@yahoo.com

** استاد گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

borjali@atu.ac.ir

*** استاد گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

drmasgari423@atu.ac.ir

**** دانشیار گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

بیان مسئله

اولین مواجهه فرد با دنیای اطراف خود از طریق خانواده‌ای صورت می‌گیرد که او در آن به دنیا آمده است و بر این اساس، رابطه والد و کودک در مقایسه با روابطی که در دوره‌های مختلف زندگی شکل می‌گیرد، مهم‌ترین رابطه محسوب می‌شود (Dhariwala and Shwetha, 2020).

بنابراین، خانواده، اولین پایه‌گذار شخصیت، ارزش‌ها و معیارهای فکری‌ای است که در تعیین سرنوشت و سبک زندگی کودک در آینده، نقشی مهم دارد و والدین، نخستین کسانی هستند که با کودک ارتباط برقرار می‌کنند و اثرگذارترین تعاملات را در شکل‌گیری ساختار زندگی آینده او دارند؛ بر این اساس، روابط مطلوب والد-فرزند در تأمین سلامت روان فرزندان، نقشی مهم دارد.

تعامل والد-فرزند، نخستین معرف دنیای ارتباطات کودک، و رابطه‌ای مهم و حیاتی برای ایجاد امنیت و عشق است. این تعامل، رفتارها، احساسات و انتظاراتی را دربر می‌گیرد که منحصر به یک پدر و مادر خاص و کودک آنهاست (Holt and Carnes, 2012).

بدین ترتیب، تعاملات مورد بحث، مقوله‌ای پیچیده و چندبعدی است که در اثر تعامل عوامل متعدد مانند نگرش و میزان پذیرش والدین، نحوه مدیریت و کنترل رفتار، حس شایستگی اجتماعی و خویش‌داری، میزان دانش و مهارت والدگری، اعتماد به نفس و خوش‌فکری والدین در تربیت کودک، و ایجاد محیطی با حداقل تعارض، کیفیت روابط والد-کودک و مراقبت عاطفی مادر از کودک شکل می‌گیرد (تجربشی، عاشوری، افروز، ارجمندینا و غباری بناب، ۱۳۹۳). داریوالا و اشویتا^۱ (2020) معتقدند در سراسر جهان، پدر و مادر در تعاملات والد-فرزند، سه هدف عمده را دنبال می‌کنند: نخست، تأمین امنیت و سلامت کودکان؛ دوم، القای مهارت‌هایی برای تبدیل شدن آنان به بزرگسالان مولد؛ سوم، انتقال دادن ارزش‌های فرهنگی به آنها.

در بحث نظری، هورنای^۲ و فروید، هر دو معتقدند سال‌های نخستین کودکی در شکل‌گیری شخصیت فرد در دوران بزرگسالی اهمیت فراوان دارد. به اعتقاد هورنای،

1. Dhariwala and Shwetha
2. Horny

نیروهای اجتماعی در کودکی بر رشد شخصیت اثر می‌گذارند و رابطه اجتماعی والد و کودک، عامل اصلی در رشد شخصیت است؛ اما فروید معتقد است نیروهای زیستی در این حوزه اثرگذارند. آدلر^۱ نیز مادر را مهم‌ترین فرد اثرگذار بر شخصیت کودک دانسته و معتقد است مادر از طریق رفتارش با کودک، علاقه اجتماعی را در وجود او پرورش می‌دهد یا از شکل‌گیری آن جلوگیری می‌کند؛ بنابراین، نقش مادر در پرورش دادن علاقه اجتماعی کودک و دیگر جنبه‌های شخصیت وی حیاتی است. به گفته آدلر:

این ارتباط بین مادر و کودک به قدری عمیق و گسترده است که هرگز نمی‌توانیم در سال‌های بعدی به هرگونه ویژگی به‌عنوان تأثیر وراثت اشاره کنیم. هر گرایشی که ممکن است به‌ارث رسیده باشد، به‌وسیله مادر سازگار شده، تربیت شده و تغییر یافته است. مهارت یا فقدان مهارت او بر تمام استعدادهای کودک تأثیر خواهد داشت (شولتز و شولتز، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۲).

به‌عقیده اریک برن^۲، حالت‌های رشدی کودک، متأثر از نوع تعاملات والد- فرزند هستند؛ بدان معنا که تعاملات در صورت سالم‌بودن، سبب می‌شوند کودک از خود و دیگران تصور مثبت (من خوبم- تو خوبی) داشته باشد؛ اما اگر تعاملات سالم نباشند، در کودک، نگرش‌های منفی (من خوبم- تو بدی، من بدم- تو خوبی و من بدم- تو بدی) ایجاد می‌کنند.

تعامل والدین با فرزند در درجه اول، از نگرش آنان به فرزند اثر می‌پذیرد. منظور از نگرش‌های والدین، اندیشه‌ها، احساسات و آمادگی آنها برای اقدام کردن درخصوص تربیت فرزندانشان است. اسلام، نگرش‌های والدین را به‌سمت مسیر صحیح هدایت می‌کند و این باور را به آنان می‌دهد که فرزندان حقوقی دارند و انسان دارای مقام خلیفه‌اللهی و مستعد اتصاف به همه کمالاتی است که رسیدن به آنها درگرو تربیت صحیح است. این تربیت صحیح درپرتو نگرش مثبت به فرزندان تحقق می‌یابد. والدین باید نگرشی مثبت به فرزندان داشته باشند و تربیت آنها را در مسیر مظهریت صفات الهی قرار دهند. در نگرش اسلامی، فرزندان به‌عنوان نعمت‌های الهی نزد والدین، امانت هستند (کلینی، ۱۳۶۷، ج. ۶، ص. ۷۱) و جزئی از وجود والدین به‌شمار می‌آیند. والدینی

1. Adler
2. Berne

که پدر و مادر شدن را یک مسئولیت الهی و مقدس می‌دانند، در ایجاد ارتباط با فرزند و حفظ کردن آن به شکل مطلوب و مؤثر، نقشی مهم دارند و به همین دلیل، در آموزه‌های اسلامی بر مسئولیت والدین در برابر فرزندان و تقدس و ارزش معنوی این مسئولیت، بسیار تأکید شده است. والدین دارای این نگرش، معتقدند فرزندان به عنوان نعمت‌های الهی، نزد آنان امانت‌اند و اگر والدین به وظایف خود در برابر آنان عمل کنند، می‌توانند از این نعمت همچون دیگر نعمت‌ها بهره‌مند شوند. از سوی دیگر، چنانچه والدین به وظایف خود در قبال فرزندان عمل نکنند، مؤاخذه خواهند شد (کلینی، ۱۳۶۷، ج. ۲، ص. ۲۱۹).

در تعالیم اسلام، توصیه‌های الزامی و اخلاقی فراوانی درباره روابط اعضای خانواده و به عبارتی، حقوق و مسئولیت‌های متقابل آن‌ها وجود دارد. رعایت حقوق متقابل والدین و فرزندان علاوه بر اینکه فرمانی الهی و امری تشریعی است، به صورت یک قانون تکوینی در نهاد همه انسان‌ها وجود دارد. در فرهنگ متعالی اسلام، در مرتبه نخست، وظایف و مسئولیت‌هایی برای والدین در مقابل فرزندان و در مرتبه دوم، وظایف و مسئولیت‌هایی برای فرزندان در قبال والدین تعیین شده است. تعاملات سالم والدین و فرزندان، سبب استحکام پیوند دو نسل می‌شود و اگر به شکل صحیح صورت گیرد، سلامت کل جامعه را به دنبال دارد؛ اما اگر والدین و فرزندان حقوق یکدیگر را نادیده بگیرند، جامعه ثبات خود را از دست خواهد داد (پاک‌نیا، ۱۳۸۲، ص. ۲۵) و تعاملات والد-فرزندی از مسیر سالم خود منحرف خواهد شد و نیازمند رسیدگی و درمان خواهد بود. شیوه‌های گوناگونی برای پیشگیری از بروز مشکل در روابط والدین و فرزندان، و حل معضلات پیش‌آمده در این حوزه وجود دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان شناخت درمانی، رفتاردرمانی، درمان روابط بین‌فردی، درمان‌های روان‌پویایی، کتاب‌درمانی، درمان حل مسئله و درمان مرور زندگی را نام برد.

هر الگوی نظری‌ای مبتنی بر پیش‌فرض‌های خاص است و اساس این پیش‌فرض‌ها مبانی و اصول حاکم بر نظریه هستند. اگر این پیش‌فرض‌ها با مبانی فکری، فلسفی، هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و روش‌شناختی بافت مورد نظر سازگار نباشند، به‌کارگیری آن‌ها نتایجی مؤثر نخواهد داشت. در رویکردهای مشاوره‌ای

مورد استفاده در ایران، این خلأ وجود دارد که بدون توجه به مبنای فکری و فلسفی این رویکردهای وارداتی، از آن‌ها برای مشکلات مشابه در روابط بین فردی استفاده می‌کنیم. در حال حاضر، با توجه به اهمیت وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی ما که تحت تأثیر باورهای مذهبی است، به شدت به یک نظام درمانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی نیازمند هستیم؛ زیرا اگر نظام درمانی با پیشینه فرهنگی، ارزش‌ها و باورهای مراجع، هماهنگ باشد، کارایی بیشتری خواهد داشت و بر همین اساس، تدوین یک الگوی روان‌درمانی نشئت گرفته از ارزش‌های اسلامی که با آخرین یافته‌ها و معیارهای علمی، سازگار و همسو باشد، ضرورتی انکارناپذیر است.

در همین راستا، اسمعیلی (۱۳۹۳) یک الگوی مشاوره‌ای به نام سهم‌گذاری را براساس هستی‌شناسی اسلامی مطرح کرده است. هستی‌شناسی اسلامی، نوعی نگاه به هستی است که در آن، جهان و آفریدگار، وجودی واقعی و مستقل از فاعل شناسا دارند و تمام هستی، تابع قوانینی واحد و یکپارچه است که مبدأ و معاد آن به هستی آفرین بازمی‌گردد. در این نگاه، انسان، جزئی از هستی محسوب می‌شود که خود، تابع قوانین کلی هستی آفرین، و مسئول درک هدف هستی آفرین و عمل کردن به صورتی هماهنگ با آن است. در این گونه هستی‌شناسی، انسان انتخابگری قلمداد می‌شود که براساس قاعده‌ای تغییرناپذیر، نتیجه عمل خود را دریافت می‌کند. هدف اصلی این الگو، تغییر از نقطه سهم‌گیری و بهره‌وری از جهان به نقطه سهم‌گذاری در جهان و خانواده، و پدیدآوردن هژمونی‌ای است که در آن، هریک از افراد بشر نسبت به تمام پدیده‌ها یک سهم‌گذار به‌شمار می‌آید و باید برای هماهنگی با کل هستی، سهم خود را ادا کند. اصولاً هر نظریه‌ای مبانی و اصول خاصی دارد که نظریه پرداز حیطه مورد نظر خود را با بهره‌گیری از آن توصیف و تبیین می‌کند. مبانی یک نظریه، گزاره‌های توصیفی درباره یک موضوع هستند و اصول نیز عبارت‌اند از گزاره‌های تجویزی استنباط شده از مبانی و معیار عمل. در این الگو سعی شده است با توجه به مطالعه و درک آموزه‌های هستی‌شناسانه قرآن کریم، درباره روابط انسانی، مبانی و اصولی برای توصیف و تبیین ارتباطات خانوادگی مشخص شود (اسمعیلی، ۱۳۹۳).

اسمعیلی (۱۳۹۳) برای الگوی سهم‌گذاری، پنج مبنا بدین شرح را از آیات قرآن استخراج کرده و برای هر مبنا اصولی را به‌دست داده است:

الف) مخلوقیت سهم‌گذار که اصول مرتبط با آن عبارت‌اند از: حکیمانه‌بودن نیاز ذاتی به همسری، خالق به‌عنوان محور معنابخشی، مسئولیت درمقابل اهداف کلی آفرینش، و عامل سعادت و شقاوت خود بودن؛

ب) آفرینش احسن که اصول مرتبط با آن عبارت‌اند از: انتخابگری لازمه تکوین بشر، ارتباط لازمه تکوین بشر، و معیارمندی آفرینش؛

ج) پیوستگی و وسعت هستی که اصول مرتبط با آن عبارت‌اند از: حق به‌عنوان محور هم‌گرایی، نظارت بر آفرینش و قاعده‌مندی آن، درک اصل و فرع لایه‌های وجود ازطرف سهم‌گذار، درک پیوستار زمان ازطرف سهم‌گذار و درک بافت پرورش سهم‌گذار؛

د) هدفمندی آفرینش که اصول مرتبط با آن عبارت‌اند از: مشابهت نگاه سهم‌گذاران، هماهنگی نگاه سهم‌گذاران برپایه حق، و نیت‌مداری؛

ه) زوجیت که اصول مرتبط با آن عبارت‌اند از: آرامش، مودت، رعایت‌کردن نقش‌های زوجی، دوستی بر مبنای حق، هماهنگی با قواعد کلی، و زوجیت به‌اذن الله. با توجه به مبانی و اصول حاکم بر الگوی سهم‌گذاری می‌توان این الگو را دارای پیش‌فرض‌هایی دانست که از جمله آن‌ها موارد ذیل درخور ذکرند:

- مخلوقیت سهم‌گذار: تأکید بر این مسئله، زمینه را برای انجام‌دادن اعمال با توجه به خواست الهی که با همه سهم‌گذاران نسبت مساوی دارد، فراهم می‌کند و نتیجه چنین پیش‌فرضی ایجاد احساس امنیت، امیدواری، حمایت و ضرورت برقراری عدالت است.
- عاملیت سهم‌گذار: در این بخش تأکید می‌شود انسان سهم‌گذار در چگونگی زندگی خود و دیگران در بستر تاریخ و اجتماع، مؤثر است.
- مسئولیت سهم‌گذار: در این بخش تأکید می‌شود که هرکسی مسئول اعمال خود درمقابل هستی و خالق است و هیچ‌یک از شرایط، موجب سلب مسئولیت از فرد نمی‌شوند.

- ذاتی بودن نیاز همسری در سهم‌گذاری: در این بخش تأکید می‌شود که ازدواج، یک نیاز مقدس است که در هر دو طرف (زن و مرد) وجود دارد و بنابراین نمی‌توان آن را ابزاری برای برتری‌جویی دانست.

- ذاتی بودن نیاز به ارتباط در سهم‌گذاری: در این بخش تأکید می‌شود امنیت، محصول توجه دو طرف به این نیاز است.

- ذاتی بودن نیاز به آرامش و مودت: در این بخش تأکید می‌شود که برآوردن نیاز هریک از دو طرف، وابسته به برآوردن نیاز طرف مقابل است.

- ذاتی بودن اختیار سهم‌گذار: در این بخش تأکید می‌شود که انتخاب راه با خود فرد است و بنابراین، اشتراک در هدف و سبک زندگی، ضرورت ازدواج و تشکیل خانواده به‌شمار می‌آید (اسمعیلی، ۱۳۹۳).

اسمعیلی (۱۳۹۳) کارکردهای ازدواج را در دو محور ذیل خلاصه کرده و برای آن‌ها شاخص‌هایی را برشمرده است:

الف) آرامش شخصی و اجتماعی: با شاخص‌های هدفمندی، جهت‌مندی، احترام‌مداری، امنیت‌مداری و معنامداری؛

ب) تولید و توسعه: با شاخص‌های پیوندزایی، عضوزایی نسل انسان، عاطفه‌زایی، سبک‌زایی و گفت‌وگوزایی.

در الگوی تعاملات والد- فرزند مبتنی بر آموزه‌های قرآنی با تمرکز بر سهم‌گذاری، به رعایت حقوق متقابل والدین و فرزندان اشاره می‌شود؛ بدان معنا که هرکدام از دو طرف رابطه باید مسئولیت خود را در قبال دیگری انجام دهد و حق او را ادا کند؛ به عبارت دیگر، دو طرف باید نگاه تکلیفی به رابطه داشته باشند و نه به دنبال سهم‌خواهی یا سهم‌گیری، بلکه درصدد سهم‌گذاری باشند. الگوی سهم‌گذاری مطرح‌شده در پژوهش اسمعیلی (۱۳۹۳)، مبانی و اصول مشخصی برای حل‌کردن تعارضات خانواده دارد. الگوی تعاملات والد- فرزند مبتنی بر آموزه‌های قرآنی با تمرکز بر سهم‌گذاری، مبانی‌ای مشترک با الگوی سهم‌گذاری خانواده‌درمانی دارد؛ اما در اصول و روش‌ها با آن متفاوت است. از آنجا که پژوهش حاضر با این رویکرد برای اولین بار انجام می‌شود، پیشینه‌ای برای آن یافت نشد؛ لذا در این تحقیق، درصدد پاسخ‌دادن به این سؤال هستیم

که ویژگی های محتوایی الگوی تعاملات والد- فرزندى مبتنى بر آموزه های قرآنى با تمرکز بر سهم گذاری، کدام اند.

روش پژوهش

برای انجام دادن این تحقیق از روش تحلیل محتوی کیفی استفاده کرده ایم و واحد تحلیل محتوا در این پژوهش، مضمون بوده است؛ بر این اساس، آیات قرآنی با موضوع تعاملات والد- فرزندى را با تمرکز بر سهم گذاری بررسی کرده و بر مبنای روندی مشخص، مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر را به صورت نظام مند در آورده ایم؛ سپس این مضامین را در قالب الگویی ترسیم و مضامین برجسته هریک از این سه سطح را همراه با روابط آنها نشان داده ایم تا شناوری مضامین تحقق یابد و بر وابستگی و ارتباط متقابلشان تأکید شود. در نهایت، مفاهیم و گزاره های حاصل از مرحله اول پژوهش را در یک کل جدید سازمان دهی کرده و الگوی مفهومی تعاملات والد- فرزندى مبتنى بر آموزه های قرآنی را با تمرکز بر رویکرد سهم گذاری ترسیم کرده ایم. جامعه مورد مطالعه در پژوهش، مشتمل بر قرآن کریم و تفسیر نور است. در این پژوهش، با توجه به اینکه متن بررسی شده است، به جای واژه «نمونه» از عبارت «واحدهای تحلیل» استفاده کرده ایم که شامل کلمه ها، موضوع ها و ماده هاست. واحدهای تحلیل در پژوهش پیش روی، آیه های مرتبط با تعاملات والد- فرزندى هستند که به شیوه هدفمند، ابتدا از قرآن و سپس از تفسیر نور انتخاب شده اند. این روند همچنان ادامه یافت تا به اشباع نظری برسیم. برای گردآوری داده ها از اسناد مکتوب (روش اسنادی) استفاده کرده ایم و تحلیل داده ها با استفاده از روش تحلیل مضمون صورت گرفته که در آن، طبقه بندی، مقوله بندی، توصیف و تفسیر داده ها انجام شده است. برای اعتباریابی درونی الگو از روش دلفی استفاده کرده ایم؛ بدین صورت که اصلاح الگوی پیشنهادی را با به کارگیری نظر متخصصان انجام دادیم و الگوی پیشنهادی را در اختیار تعدادی از متخصصان به شکل در دسترس گذاشتیم؛ بنابراین، روایی محتوایی این ابزار با استفاده از نظر استادان راهنما و مشاور تأیید شده است.

یافته‌های پژوهش

والدین و فرزندان در تعامل با یکدیگر، حقوق و مسئولیت‌های متقابلی دارند که در قرآن کریم و روایات درباره آن‌ها سخن گفته شده است؛ مثلاً در آیه سیزدهم از سوره لقمان، موعظه پدر به فرزند ذکر شده و در آیه چهاردهم از همین سوره، درباره احسان فرزند به والدین و سپاسگزاری او از آنان سخن گفته شده است. در همین راستا، در پژوهش حاضر کوشیده‌ایم تعاملات والد- فرزند را مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و با تمرکز بر رویکرد سهم‌گذاری به منظور طراحی الگو توصیف و تبیین کنیم. این تعاملات را با محوریت عاملیت انسان و دو مضمون فراگیر «مسئولیت‌های والدین در قبال فرزندان» و «مسئولیت‌های فرزندان در قبال والدین» در جدول زیر می‌توان مشاهده کرد:

جدول ۱. مسئولیت‌های والدین و فرزندان به‌عنوان انسان عامل از منظر قرآن

مصادیق	مضامین پایه	مضامین سازمان	مضامین فراگیر	محور
تبعیض قائل‌نشدن بین فرزندان در محبت‌کردن به آنان ^۱	عدالت	تکریم فرزندان	مسئولیت‌های والدین	عاملیت انسان سهم‌گذار
تبعیض قائل‌نشدن بین فرزندان در نظرخواهی از آنان ^۲				
وجودداشتن رابطه حسنه بین والدین و فرزندان ^۳	محبت و صمیمیت			
داشتن رابطه صمیمانه با فرزندان ^۴				
محبت‌کردن به فرزندان ^۵				

۱. یوسف، ۸

۲. قصص، ۲۶

۳. قصص، ۲۶

۴. یوسف، ۴

۵. اسراء، ۲۴

مصادیق	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	محور
موعظه همراه با محبت و عاطفه ^۱				
با مهربانی خطاب کردن فرزندان ^۲				
گفت و گوی عاطفی با فرزندان ^۳				
گفت و گوی محترمانه با فرزندان ^۴	احترام			
نظرخواهی از فرزندان ^۵				
انتخاب نام نیک برای فرزندان ^۶				
موعظه کردن فرزندان بدون سرزنش و تحقیر آنان ^۷				
با احترام خطاب کردن فرزندان ^۸				
چشم‌پوشی از لغزش‌های فرزندان ^۹	گذشت			
پرهیز از خشونت در رفتار با فرزندان ^{۱۰}				

۱. لقمان، ۱۳

۲. یوسف، ۵

۳. لقمان، ۱۳

۴. صافات، ۱۰۲

۵. قصص، ۲۶؛ صافات، ۱۰۲

۶. آل عمران، ۳۶

۷. لقمان، ۱۳

۸. لقمان، ۱۶

۹. یوسف، ۹۸

۱۰. صافات، ۱۰۲

طراحی و اعتباریابی الگوی تعاملات والد- فرزند مبتنی بر.../سکینه عسلی طالکوئی و دیگران ۷۳

مصادیق	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	محور
پذیرش قول و تعهد فرزندان ^۱				
یادآوری کردن معاد به فرزندان ^۲	انتقال دادن عقاید دینی			
توصیه کردن فرزندان به توحیدمداری ^۳		تربیت دینی فرزند		
متوجه کردن فرزندان به علم الهی ^۴				
متوجه کردن فرزندان به قدرت الهی ^۵				
سفارش کردن فرزندان به تسلیم بودن در برابر خداوند متعال ^۶				
سفارش کردن فرزندان به نماز ^۷	توجه به احکام دین			
سفارش کردن فرزندان به زکات ^۸				
فراهم کردن ازدواج فرزندان ^۹				
دعا کردن برای درآمان بودن فرزندان از شر شیطان ^{۱۰}				

۱. یوسف، ۱۴ و ۶۶

۲. احقاف، ۱۸

۳. لقمان، ۱۳؛ اسراء، ۲۳

۴. لقمان، ۱۶

۵. لقمان، ۱۶

۶. بقره، ۱۳۳

۷. طه، ۲۳ و ۱۳۲؛ لقمان، ۱۷؛ مریم، ۵۵؛ ابراهیم، ۴۰

۸. مریم، ۵۵

۹. قصص، ۲۷

۱۰. آل عمران، ۳۶

مصادیق	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	محور
درخواست کردن ذریه پاک و صالح برای فرزندان از خدا ^۱				
دعا کردن برای هدایت شدن و عاقبت به خیری فرزندان ^۲				
استمداد از خداوند متعال برای تربیت کردن فرزندان و متکی نبودن والدین به توان محدود خود در این زمینه ^۳				
معرفی کردن الگوهای مثبت و منفی به فرزندان ^۴	الگوهای مثبت فرزندان			
الگو بودن والدین برای فرزندان در عمل ^۵				
معرفی کردن الگوی جایگزین به فرزندان در صورت رد کردن یک الگو ^۶				
معرفی کردن الگویی مناسب همچون پیامبر به فرزندان ^۷				
توصیه کردن فرزندان به مقاومت در برابر سختی‌ها ^۸	صبرآموزی به فرزندان	توانمند کردن فردی فرزندان		

۱. آل عمران، ۳۸؛ صافات، ۱۰۱ و ۱۰۲

۲. ابراهیم، ۳۵؛ فرقان، ۷۴

۳. آل عمران، ۳۶؛ فرقان، ۷۴؛ انعام، ۱۵۱

۴. نور، ۳۷، ۳۹ و ۴۰

۵. انبیاء، ۵۳؛ تحریم، ۶؛ اعراف، ۱۷۳

۶. لقمان، ۱۵

۷. احزاب، ۲۱

۸. لقمان، ۱۷

مصادیق	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	محور
پرورش دادن صبر در وجود فرزندان ^۱				
امیدوارکردن فرزندان به حل مشکلات ^۲				
دادن آزادی انتخاب به فرزندان ^۳	دادن آزادی انتخاب به فرزندان			استقلال‌ورزی
دادن آزادی اندیشه به فرزندان ^۴	دادن آزادی اندیشه به فرزندان			
داشتن انتظار درحد توان فرزندان از آنان ^۵	داشتن انتظار درحد توان فرزندان			توجه به ظرفیت فرزندان
سفارش کردن فرزندان به امر به معروف و نهی از منکر ^۶	سفارش کردن فرزندان به امر به معروف و نهی از منکر	آموزش دادن مسئولیت اجتماعی فرزندان	توانمندکردن اجتماعی فرزندان	
افزایش دادن آگاهی فرزندان برای تشخیص‌دهی معروف و منکر ^۷	افزایش دادن آگاهی فرزندان برای تشخیص‌دهی معروف و منکر	اجتماعی به فرزندان		
مشارکت دادن فرزندان در امور خیر (یارگیری) / نوع دوستی ^۸	مشارکت دادن فرزندان در امور خیر (یارگیری) / نوع دوستی			
توصیه کردن فرزندان به اعتدال در راه رفتن ^۹	توصیه کردن فرزندان به اعتدال در راه رفتن			

۱. لقمان، ۱۷

۲. یوسف، ۸۷

۳. عنکبوت، ۸

۴. عنکبوت، ۸؛ یوسف، ۱۳

۵. بقره، ۲۳۳ و ۲۸۶

۶. لقمان، ۱۷

۷. لقمان، ۱۷

۸. بقره، ۱۲۷؛ لقمان، ۱۸

۹. لقمان، ۱۹

مصادیق	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	محور
توصیه کردن فرزندان به پایین آوردن صدایشان در تعاملات اجتماعی ^۱	آموزش دادن آداب اجتماعی به فرزندان			
گوشزد کردن خطر حسادت در محیط خانه و جامعه به فرزندان ^۲				
آموزش دادن رازداری به فرزندان در فضای خانواده از دوران کودکی ^۳				
فرزندان را نعمت الهی دانستن ^۴	ایجاد نگرش مثبت به فرزندان	اعتقاد به تولید و توسعه نسل		
فرزندان را زینت زندگی دانستن ^۵				
فرزندان را مایه روشنی چشم دانستن ^۶				
فرزندان را بشارتی برای پدر و مادر دانستن ^۷				
فرزندان را مخلوق دارای کرامت دانستن ^۸				
فرزندان را کمک و دستیاری برای والدین دانستن ^۹				

۱. لقمان، ۱۹

۲. یوسف، ۵

۳. یوسف، ۵

۴. نحل، ۷۲؛ صافات، ۱۰۲

۵. کهف، ۴۶؛ آل عمران، ۱۴

۶. فرقان، ۷۴

۷. هود، ۷۱؛ حجر، ۵۳؛ صافات ۱۰۱ و ۱۰۲

۸. صافات، ۱۰۲

۹. اسراء، ۶؛ شعراء، ۱۳۳؛ نوح، ۱۲

مصادیق	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	محور
فرزندان را بهترین یاور در مسیر حرکت به سوی خدا دانستن ^۱				
فرزندان را مایهٔ آزمایش دانستن ^۲				
فرزندآوری توأم با ایمان به روزی دهندگی خداوند متعال ^۳				
جداکردن محل خواب والدین از کودکان ^۴	پرورش دادن حیا در فرزندان	مراقبت از فرزندان		
آموزش دادن اجازه گرفتن برای ورود به اتاق والدین به فرزندان ^۵				
شناخت ویژگی‌های شخصیتی فرزندان برای مدیریت کردن تعاملات آنها با یکدیگر ^۶	توجه‌ورزی روان‌شناختی به فرزندان			
مشورت و توافق والدین درخصوص امور فرزندان ^۷				
مسئولیت‌پذیری والدین در برابر سرنوشت فرزندان ^۸				

۱. صافات، ۱۰۲

۲. انفال، ۲۸

۳. اسراء، ۳۱؛ نحل، ۵۸ و ۵۹؛ انعام، ۱۵۱

۴. نور، ۵۸

۵. نور، ۵۹

۶. یوسف، ۵

۷. بقره، ۲۳۳

۸. احقاف، ۱۸؛ طه، ۲۳ و ۱۳۲؛ بقره، ۱۳۳؛ شعراء، ۲۱۴؛ لقمان، ۱۷؛ احزاب، ۵۹؛ زمر، ۱۵؛ طور، ۲۶؛ تحریم، ۶

مصادیق	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	محور
توجه کردن به اوقات فراغت فرزندان ^۱				
برنامه ریزی برای تفریح و بازی فرزندان ^۲				
مراقبت از سلامتی فرزندان هنگام بازی و تفریح آنان ^۳	توجه ورزی جسمی به فرزندان			
تغذیه کردن کامل فرزندان در دوران نوزادی با استفاده از شیر مادر ^۴				
رعایت تقوا در تغذیه کودکان ^۵				
کمک مالی فرزندان به والدین ^۶	انفاق به والدین	احسان	مسئولیت های فرزندان	
دعا کردن فرزندان برای آموزش والدین ^۷	دعا کردن برای والدین			
درخواست رحمت برای والدین ^۸				
تعیین سهم الارث برای والدین در وصیتنامه ^۹	قدرشناسی از والدین			
یادآوری کردن زحمات والدین ^{۱۰}				

۱. یوسف، ۱۲

۲. یوسف، ۱۲

۳. یوسف، ۱۲

۴. بقره، ۲۳۳

۵. بقره، ۲۳۳

۶. بقره، ۲۱۵

۷. نوح، ۲۸؛ ابراهیم، ۴۱

۸. اسراء، ۲۴

۹. بقره، ۱۸۰

۱۰. اسراء، ۲۴

مصادیق	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	محور
دعاکردن برای والدین ^۱				
برتر دانستن والدین بر خود در هر مقام ^۲	تواضع در برابر والدین			
به استقبال والدین رفتن حتی در اوج قدرت ^۳				
تواضع همراه با مهر و محبت ^۴				
کمالات خود را به رخ والدین نکشیدن ^۵				
به استقبال والدین رفتن ^۶	احترام گزاردن به والدین			
والدین را به اسم صدا نکردن ^۷				
مشورت کردن با والدین در مسائل زندگی ^۸				
احترام گزاردن به والدین در عین صمیمیت با آنان ^۹				
استفاده از کلام نیکو در تعامل با والدین ^{۱۰}	گفتار کریمانه با والدین			

۱. اسراء، ۲۴

۲. یوسف، ۱۰۰

۳. یوسف، ۹۹

۴. اسراء، ۲۴

۵. اسراء، ۲۴

۶. یوسف، ۹۹

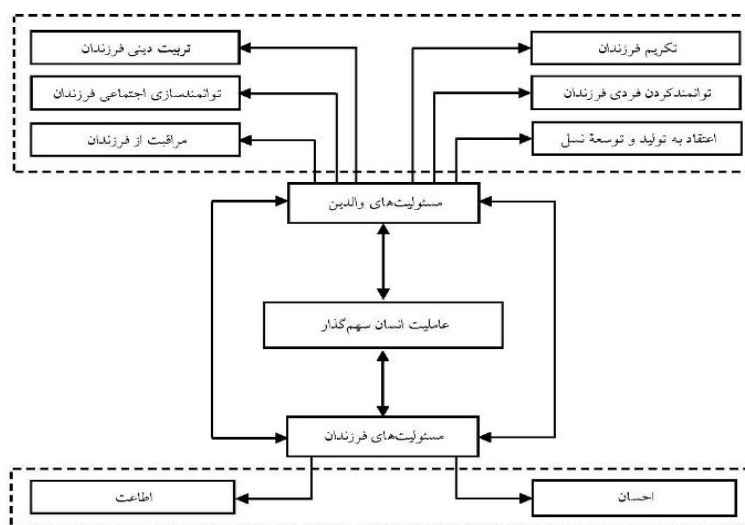
۷. یوسف، ۴

۸. یوسف، ۴

۹. یوسف، ۴

۱۰. اسراء، ۲۳

مصادیق	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	محور
طاعت مشروط از والدین ^۱	اطاعت در مسیر خداوند متعال	اطاعت		



نمودار ۱. شبکه مضامین الگوی تعاملات والد-فرزندی

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال بوده‌ایم که ویژگی‌های محتوایی الگوی تعاملات والد-فرزندی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی با تمرکز بر سهم‌گذاری، کدام‌اند. در استخراج آیات با تمرکز بر رویکرد سهم‌گذاری، به دنبال یافتن حقوق متقابل والد-فرزندی بوده و با نگاه سهم‌گذارانه، این حقوق و تکالیف را تحت عنوان مسئولیت‌های والدین در قبال فرزندان و مسئولیت‌های فرزندان در قبال والدین مطرح کرده‌ایم.

الگوی تعاملات والد-فرزندی مبتنی بر آیات قرآن با تمرکز بر رویکرد سهم‌گذاری طراحی شده و با توجه به اینکه عاملیت سهم‌گذار، یکی از پیش‌فرض‌های مهم رویکرد سهم‌گذاری است، این مفهوم را مبنا قرار داده و به تبع آن، مسئولیت‌های انسان سهم‌گذار را در دو نقش والد و فرزند از قرآن استخراج کرده‌ایم. ازدیدگاه باقری، وظیفه، ناظر به سهمی است که هرکس در فراهم‌آوردن رفاه عمومی جامعه دارد (باقری، ۱۳۹۹، ص. ۵۰۲). اگر این سخن را کمی محدودتر و در بستر خانواده و تعاملات والد-فرزندی بازتعریف کنیم، می‌توان گفت وظیفه والدین و فرزندان درقبال یکدیگر، ناظر به نقشی است که هر یک از آنان در بهبود تعاملات والد-فرزندی برعهده دارند؛ بنابراین، در قرآن کریم، با تمرکز بر رویکرد سهم‌گذاری، سهم والدین و فرزندان درقبال یکدیگر را استخراج کرده‌ایم. در این الگو، سهم والدین و فرزندان با توجه به عاملیت انسان سهم‌گذار، «مسئولیت والدین و فرزندان» نامیده و بر همین اساس، کدگذاری مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر انجام شد. پس از انجام دادن کدگذاری‌ها دو مضمون فراگیر، هشت مضمون سازمان‌دهنده، ۲۵ مضمون پایه و هشتاد مصداق استخراج شد. یافته‌ها نشان می‌دهند انسان عامل در دو نقش والد و فرزند، دو مضمون فراگیر مسئولیت‌های والدین و مسئولیت‌های فرزندان را شامل می‌شود. مضامین سازمان‌دهنده مسئولیت‌های والدین درقبال فرزندان، مشتمل بر تکریم فرزند، تربیت دینی فرزند، توانمندکردن فردی فرزند، توانمندکردن اجتماعی فرزند، اعتقاد به تولید و توسعه نسل، و مراقبت از فرزند هستند و مضامین سازمان‌دهنده مسئولیت‌های فرزندان درقبال والدین، احسان و اطاعت را شامل می‌شوند. واژه «احسان» به دلیل وسعت معنایی آن، مضامینی همچون انفاق به والدین، دعاکردن برای والدین، قدرشناسی از والدین، تواضع در برابر والدین، احترام گزاردن به والدین و گفتار کریمانه با والدین را دربر می‌گیرد.

باقری (۱۳۹۲) در پژوهش خود، الگوی ارتباط والد-فرزندی (مدل نظری فرزندپروری بر مبنای هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی) را بررسی کرده است و با وجود مشابهت ظاهری عنوان پژوهش وی با موضوع این پژوهش، یافته‌های دو تحقیق، سمت‌وسویی متفاوت دارند؛ زیرا هدف این پژوهشگر، طراحی یک مدل

فرزندپروری بوده و درنهایت، وی به سه الگوی اصلی، شامل الگوی امنیت‌مدار، الگوی آزادی‌مدار و الگوی تأملی دست یافته است.

برای تبیین محتوای الگوی به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر، ابتدا باید مفهوم‌شناسی عاملیت انسان در قرآن صورت گیرد و سپس مضامین فراگیر مسئولیت‌های والدین و فرزندان در بستر مبنای سهم‌گذاری تبیین شوند.

براساس مبنای انسان‌شناسی اسلامی، انسان عامل محسوب می‌شود و عاملیت او شاکله و هویتش را رقم می‌زند. چنین موجودی می‌تواند منشأ عمل باشد و درقبال عمل خود، مسئول و قابل مؤاخذه خواهد بود (باقری، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۷). در آیات متعددی از قرآن کریم، به صورت مستقیم و غیرمستقیم به عاملیت انسان اشاره شده است؛ مانند آیه ۳۹ از سوره نجم: «برای انسان، جز حاصل تلاش او نیست»، آیه ۳۸ از سوره مدثر: «هرکسی درگرو دستاورد خویش است» و آیه سوم از سوره انسان: «به‌راستی، ما راه حق را به او نمایانیم. خواه شاکر و پذیرا باشد یا ناسپاس». در این آیات و آیات مشابه، مسئله اختیار انسان در انتخاب عمل مطرح شده است؛ بنابراین، انسان به‌حکم اختیاری که دارد، عامل سعادت و شقاوت خویش قلمداد می‌شود و بابت عملی که انجام می‌دهد، مسئول است و باید دربرابر خداوند متعال، پاسخ‌گو باشد (نصری، ۱۳۹۴، ص. ۲۵۹).

عاملیت انسان ایجاب می‌کند که او درقبال اعمال خود مسئول باشد؛ البته با نظر به حدود عمل و وسع آدمی، مسئولیت وی کاهش یا افزایش می‌یابد؛ اما از آنجا که درنهایت، عاملیت وجود دارد، فرد متناسب با وسع خود، مسئول اعمالش خواهد بود. دامنه این مسئولیت، بسیار گسترده است و هرکسی درقبال اعمال خود، مسئول خواهد بود. در آیات ششم تا نهم از سوره اعراف، هم پیامبران و هم امت‌های آنان مسئول شمرده شده‌اند: پیامبران باید به این سؤال پاسخ دهند که آیا رسالت خود را درست و بجا انجام داده‌اند یا خیر و مردمی که مخاطب پیامبران بوده‌اند نیز باید به این سؤال پاسخ دهند که آیا به آنچه در سخنان پیامبران، دارای حقانیت یافتند، اعتنا کردند و پایبند

۱. وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى.

۲. كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ.

۳. إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيْلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُوْرًا.

شدند یا اینکه سبک‌سرانه به حقیقتی که برایشان روشن شده بود، بی‌اعتنایی کردند (باقری، ۱۳۹۹، ص. ۲۶۴).

اینکه هرکسی مسئول عمل خویش است، به نگاه سهم‌گذارانه اشاره می‌کند؛ بدان معنا که هرکس باید بکوشد سهم خود در یک رابطه را ادا کند. در این آیات، درباره رابطه پیامبر و امت سخن گفته شده است؛ اما این مثال را به دیگر روابط همچون رابطه والد- فرزند نیز می‌توان تعمیم داد. در تعاملات والد- فرزند، هرکسی موظف است مسئولیت‌های خود را انجام دهد و حتی اگر طرف مقابل، مسئولیت خویش را انجام نداد، از دیگری سلب مسئولیت نمی‌شود. براساس آیات شانزدهم و هفدهم سوره احقاف که در آن‌ها دو نوع فرزند و پدرومادر مثال زده شده است، در گفتمان سهم‌گذاری، باوجود اینکه فرزندان، آزاد، مستقل و مسئول اعمال خویش هستند، والدین نیز درقبال ارشاد و هدایت فرزندان خود مسئول‌اند؛ حتی اگر از آنان پاسخ مثبت نگیرند. با توجه به مبانی سهم‌گذاری، مسئولیت والدین و فرزندان را این‌گونه می‌توان تبیین کرد که سهم‌گذاران، یعنی همان والدین و فرزندان، مخلوق خدای واحد هستند و هر اقدامی را باید منطبق بر اراده خداوند متعال انجام دهند. انسان، عامل سعادت و شقاوت خود محسوب می‌شود و انسان عامل، فردی مسئول است که در تعاملاتش سهم‌گذارانه و مسئولانه رفتار می‌کند و نگاه تکلیفی دارد؛ بنابراین، انسان سهم‌گذار، فرد مسئولی است که به نظارت‌داشتن خداوند متعال بر هستی باور دارد و خود را دربرابر ناظر هستی، پاسخ‌گو می‌داند؛ از این روی می‌کوشد تعاملاتش را هماهنگ با هستی و برپایه حق تنظیم کند. مسئولیت‌های مستخرج از آیات قرآن کریم، تقدم و تأخر رتبی ندارند و صرفاً براساس منطق و فهم محقق مرتب شده‌اند؛ بر این اساس، اولین مسئولیت مستخرج برای والدین، تکریم فرزندان است که در تبیین آن می‌توان گفت خداوند متعال در قرآن کریم، پس‌از آفرینش انسان به خود تبریک گفت؛ سپس او را مسجود فرشتگان قرار داد و هستی را به تسخیر وی درآورد.

طبق آیه هفتاد از سوره اسراء، والدین سهم‌گذار، فرزندان خود را مخلوقاتی دارای کرامت می‌دانند، عزت و احترام به آنان را وظیفه خویش می‌شمارند، برای آن‌ها ارزش قائل می‌شوند و با استفاده از روش‌های مختلفی که در بحث الگو بیان شد، فرزندانشان

را تکریم می‌کنند؛ مانند انتخاب نام نیک برای فرزندان، با احترام و مهربانی خطاب کردن فرزندان، محبت کردن به فرزندان، نظرخواهی از فرزندان و مشورت با آنان، رعایت عدالت بین فرزندان در نظرخواهی از آنها و محبت کردن به آنان، گفت‌وگوی عاطفی و محترمانه با فرزندان، موعظه همراه با محبت و بدون سرزنش و تحقیر فرزندان، پذیرش عذرخواهی فرزندان و چشم‌پوشی از لغزش‌های آنان، و پرهیز از خشونت در رفتار با فرزندان.

علاوه بر آنچه گفتیم، والدین سهم‌گذار با توجه به جهان‌بینی توحیدی خود، به تربیت دینی فرزندان اهتمام می‌ورزند و برای انتقال دادن عقاید دینی خود به آنان از جمله توصیه به توحیدمداری، یادآوری معاد به فرزندان، سفارش کردن فرزندان به تسلیم در برابر خالق، متوجه کردن فرزندان به علم و قدرت الهی، متوجه کردن فرزندان به احکام دینی مانند نماز و زکات، و فراهم آوردن مقدمات ازدواج فرزندان تلاش می‌کنند؛ همچنین از طریق دعاکردن برای فرزندان و از جمله درخواست ذریه پاک و صالح برای آنان، دعاکردن برای درمان بودن فرزندان از شر شیطان، دعاکردن برای هدایت شدن و عاقبت‌بخیری فرزندان و همچنین استمداد از خداوند متعال در تربیت و هدایت فرزندان، و متکی نبودن به توان محدود خود به عنوان مخلوق، مسئولیت خود را انجام می‌دهند؛ علاوه بر آن، به گونه‌ای سهم‌گذارانه می‌کوشند رفتار و صفات مطلوب را عملاً در رفتار خویش انعکاس دهند و خود، الگویی برای فرزندان‌شان باشند یا الگوهایی (ترجیحاً پیامبر و اهل بیت براساس نص قرآن کریم) را به آنان معرفی کنند و از طریق الگو قرار دادن آنان، مسیر تربیتی فرزندان خود را هموار کنند. این والدین مراقب هستند که فرزندان‌شان متناسب با آهنگ هستی حرکت کنند، و فرزندان خود را در مسیر پرپیچ‌وخم زندگی، بدون الگویی شایسته رها نمی‌کنند.

والدین سهم‌گذار با اعتقاد به آفرینش احسن باور دارند که چون فرزندان‌شان بهترین هستند، باید بهترین خودشان را به نمایش بگذارند؛ بنابراین، آنها وسعت‌بخشی‌ای درونی و بیرونی را برای فرزندان‌شان فراهم می‌آورند و به دیگر سخن، فرزندان را به لحاظ فردی و اجتماعی، توانمندی می‌بخشند و به عنوان انسان‌هایی مستقل، صبور، امیدوار و صاحب اندیشه برای ورود به جامعه آماده می‌کنند. این والدین مسئولیت اجتماعی را به فرزندان‌شان آموزش می‌دهند تا آنان به محیط زندگی خود بی‌اعتنا نباشند، امر به معروف و نهی از

منکر کنند، یاریگر و نوع دوست باشند و برای اصلاح جامعه خویش بکوشند. والدین سهم گذار با ایجاد نگرش مثبت به فرزند و فرزندآوری، به وسعت بخشی خود نیز کمک می کنند و درصدد تولید و توسعه نسل برمی آیند.

علاوه بر آنچه گفتیم، والدین سهم گذار از نیازهای جسمی و روانی فرزندان، و شیوه های برآوردن این نیازها آگاه اند، حریم شناسی را به آن ها آموزش می دهند و از حریم خصوصی شان مراقبت می کنند، به تفریح و سرگرمی فرزندان اهمیت می دهند، برای اوقات فراغت آن ها برنامه ریزی می کنند، با آنان بازی می کنند و هنگام بازی کردن، مراقب ایمنی فرزندان هستند. این والدین می کوشند رزق حلال برای فرزندان خویش تهیه کنند، درباره امور فرزندان با هم مشورت و توافق می کنند و مراقب هستند که با تصمیمات خودشان آن ها را سرگردان نکنند. این گروه از والدین خلق و خوی و شخصیت فرزندانشان را می شناسند و از این طریق می توانند روابط آنان با یکدیگر را مدیریت کنند.

در تبیین مسئولیت های فرزندان در قبال والدین می توان گفت فرزندان سهم گذار نیز خود را مخلوق خداوند متعال می دانند و مسئولیت هایشان را به درستی ایفا می کنند. والدین از نظر فرزندان سهم گذار، ارزش و جایگاهی والا دارند و فرزندان حتی اگر از این والدین ناراحت شوند، در برابر آن ها واکنش نامناسب نشان نمی دهند. در قرآن کریم، احسان به والدین به عنوان حقی بزرگ در کنار حق خداوند متعال مطرح شده و در روایات نیز حق والدین، بزرگ ترین حقوق اجتماعی به شمار آمده است. احسان به والدین در هشت آیه از آیات قرآن کریم ذکر و بر آن تأکید شده است.^۱ در این پژوهش، پس از استخراج مضامین پایه مسئولیت های فرزندان در قبال والدین، به مضامینی همچون احسان به والدین، انفاق به والدین، دعا کردن برای والدین، قدرشناسی از والدین، تواضع در برابر والدین، احترام گزاردن به والدین، گفتار کریمانه با والدین و اطاعت از والدین دست یافتیم. به دنبال بررسی مصادیق هر کدام از مضامین و معناشناسی واژگان، در نهایت، دو مضمون فراگیر احسان به والدین و اطاعت از والدین انتخاب شد؛ به گونه ای که تمام مضامین ذکر شده جز اطاعت، در دایره شمول مضمون احسان به والدین قرار گرفتند.

۱. بقره، ۸۳؛ نساء، ۳۶؛ انعام، ۱۵۱؛ اسراء، ۲۳؛ لقمان، ۱۴؛ مریم، ۱۴؛ عنکبوت، ۸؛ احقاف، ۱۵

احسان یعنی نفع رساندن و نیکی کردن به دیگران بدون انتظارداشتن پاداش متقابل و جبران عمل نیک؛ به گونه‌ای که فرد احسان‌کننده در نیکی، فزون‌تر و شایسته‌تر عمل کند و در بدی، به‌میزانی کمتر از آنچه درحقیش روا داشته شده است، پاسخ دهد یا به دیگران خدمت کند؛ بی‌آنکه منتظر پاداش باشد و این دقیقاً همان نگاه سهم‌گذارانه در قرآن است. طبق مضامین مستخرج، یکی از مصادیق احسان، انفاق به والدین و از جمله این مسئله است که در صورت تنگ‌دستی، اموالی را در اختیار ایشان قرار دهند تا زندگی‌ای در شأن و منزلت خودشان داشته باشند. در قرآن کریم، از انفاق‌کنندگان با عنوان «محسنین» یاد شده و آمده است: «و در راه خدا انفاق کنید و [با ترک این کار پسندیده، یا هزینه‌کردن مال در راه نامشروع،] خود را به هلاکت بیندازید و نیکی کنید که یقیناً خدا نیکوکاران را دوست دارد» (بقره، ۱۹۵).

دعاکردن برای والدین، از دیگر مصادیق احسان است که دو مضمون دعاکردن برای آموزش والدین و درخواست رحمت برای والدین را شامل می‌شود. این دو مضمون به‌ظاهر مشابه، با هم تفاوتی ظریف دارند. آموزش (مغفرت)، پیش‌نیاز رحمت الهی است و در مثالی برای توضیح این مطلب می‌توان گفت وقتی کسی می‌خواهد دیوار رنگ‌پریده‌ای را رنگ کند، ابتدا آن را ترمیم می‌کند و سپس رنگ می‌زند. آن ترمیم، معادل با غفران و این رنگ کردن، معادل با رحمت است. خداوند متعال در آیه ۲۴ سوره اسراء، فرزندان را به مهرورزی به والدین و دعاکردن درحق آنان دعوت کرده و فرموده است: «و بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف در برابر آنان فرود آر و بگو: "پروردگارا! همان‌گونه که آن‌ها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!"» (اسراء، ۲۴)؛ بنابراین، فرزند باید در برابر پدر و مادر، متواضع باشد و برایشان از خداوند متعال، رحمت بخواهد؛ چنان‌که گویا خدا به فرزند می‌گوید: «تو رحمت خود را دریغ مدار و از خدا نیز استمداد کن که ادای حق آنان از عهده تو خارج است». رحمت الهی، جبران زحمات تربیتی والدین است و قدرشناسی از والدین، خود نوعی احسان محسوب می‌شود. خداوند متعال روش‌های مختلفی را برای قدرشناسی از والدین تعیین کرده است که از جمله آن‌ها تعیین سهم‌الارث برای آن‌ها در وصیتنامه، یادآوری زحمات والدین و دعاکردن برای آن‌ها را می‌توان نام برد. در این زمینه، خداوند متعال می‌فرماید: «گذشته خود، تلخی‌ها و مشکلات دوران کودکی و خردسالی را که بر والدین تحمیل شده است، از یاد نبرید. دعای فرزند درحق پدر و مادر، مستجاب است؛ و گرنه خداوند دستور به دعا نمی‌داد. دعا به پدر و مادر، فرمان خدا و نشانه شکرگزاری از آنان است» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج. ۵، ص. ۵).

۴۲). در تفسیر آیه چهاردهم از سوره لقمان آمده احترام گزاردن به والدین، حقی است انسانی و نه صرفاً اسلامی؛ بنابراین باید بدون هیچ قید و شرطی احترام گزاردن به آنان را همواره در نظر داشت. فرزندان وظیفه دارند احترام والدین را حفظ کنند؛ حتی اگر آنان حقوق فرزندان را رعایت نکنند. طبق یافته‌های پژوهش، فرزندان برای حفظ احترام والدین باید در مسائل زندگی با آنها مشورت کنند، آنان را به اسم صدا نزنند، در عین صمیمیت با والدین، احترامشان را حفظ کنند و به استقبال آنان بروند. گفتار کریمانه، نوعی احسان کلامی است که بعد از احسان عملی، مهم‌ترین اصل در رفتار با والدین به شمار می‌آید. در احسان به والدین و بهره‌گیری از قول کریمانه هنگام سخن گفتن با آنان، شرط مقابله ذکر نشده است؛ یعنی حتی اگر آنان با فرزند به صورتی کریمانه رفتار نکردند، فرزند باید به گونه‌ای کریمانه با آنان سخن بگوید و رفتار کند: «اگر یکی از آنان یا هر دو در کنار تو به سال خوردگی رسیدند با آنان حتی "اف" مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنان سخنی شایسته بگوی» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج. ۵، ص. ۴۰).

با توجه به آنچه در باب مفهوم احسان گفتیم، نتیجه می‌گیریم که گویا تعریف عملیاتی نگاه سهم‌گذارانه، همان احسان است؛ زیرا در احسان به والدین، فرزند به دنبال سهم‌گیری نیست؛ بلکه بدون چشم‌داشت و فقط برای جلب رضایت خداوند متعال که خالق اوست، سهم خود را ادا می‌کند.

اطاعت از والدین، دومین مضمون سازمان‌دهنده مسئولیت‌های فرزندان در قبال آن هاست. چنان‌که گفتیم، احسان به والدین باید بدون قید و شرط صورت گیرد؛ ولی اطاعت از آنان در صورتی مجاز است که آنان به امری برخلاف رضای خدا فرمان ندهند. طبق آیه هشتم از سوره عنکبوت و نیز آیات چهاردهم و پانزدهم سوره لقمان، فرزند موظف است به حکم ولایت، از والدین خود اطاعت کند؛ زیرا والدین بر فرزند ولایت دارند و بنابراین، اطاعت از ایشان واجب است؛ اما اگر خواسته‌های والدین، از حدود عقلانی و شرعی خارج شود، فرزندان باید با حفظ احترام و تکریم آنان، با خواسته‌هایشان مخالفت کنند و از آنها اطاعت نکنند. در این مورد خاص، اطاعت نکردن هرگز نباید توأم با بی‌احترامی باشد. خداوند متعال از فرزندان می‌خواهد از خواسته‌های مشروع والدین

اطاعت کنند و تنها از پذیرش درخواست‌های نامشروع آنان، البته با حفظ احترامشان سر باززنند. از جمله این خواسته‌های نامشروع می‌توان شرک و بی‌دینی را نام برد؛ بدان معنا که اگر والدین، شرک و بی‌دینی، پذیرفتن باورهای نادرست خود یا انجام‌دادن رفتارهای باطل و منکر را از فرزندشان بخواهند، فرزند باید از اطاعت از والدین خودداری کند و خواسته آنان را نپذیرد؛ زیرا براساس موازین اسلام، تقلید کورکورانه در هر زمینه‌ای ممنوع است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج. ۷، ص. ۱۱۶).

به بیان مختصر، انسان عامل، فرد مسئولی است که می‌تواند مسئولیت‌هایی را در حوزه والد-فرزندی برعهده گیرد و به‌گونه‌ای سهم‌گذارانه، وظیفه یا سهم خود را ادا کند. این انسان عامل اگر پدر یا مادر باشد، باید فرزندش را تکریم کند، در تربیت دینی او کوشا باشد، در حوزه‌های فردی و اجتماعی، وی را توانمندی بخشد، به تولید و توسعه نسل معتقد باشد و همواره مراقب و ملازم فرزندش باشد. از آن سوی، اگر قرار باشد این انسان عامل، در نقش فرزند ادای سهم کند، باید بدون هیچ قیدوشرطی به والدینش احسان و از خواسته‌های مشروع آنان اطاعت کند؛ اما در برابر خواسته‌های نامشروع آن‌ها همچون دعوت به شرک و بی‌دینی، با رعایت احترام، از اطاعت خودداری کند.

پیشنهادها

این پژوهش به‌عنوان نمونه‌ای از توجه روان‌شناسانه به موضوع والد-فرزندی با نگاه اسلامی، ظرفیت بسیار زیاد این نگاه درحیطه مسائل روان‌شناسی را نشان می‌دهد؛ از این روی، به پژوهشگران روان‌شناس و مشاور در حوزه والد-فرزندی پیشنهاد می‌شود بیشتر به حوزه‌های مذهبی و به‌ویژه اسلامی توجه کنند؛ علاوه بر آن، با تبدیل یافته‌های این پژوهش به پروتکل آموزشی برای والدین و فرزندان می‌توان نگاه سهم‌گذارانه را در آن‌ها تقویت کرد و در بهبود تعاملاتشان نقشی مؤثر داشت؛ همچنین با تنظیم فرایند و فنون این الگو می‌توان از آن در اتاق مشاوره به‌منظور بهبودبخشیدن تعاملات والد-فرزندی بهره برد.

منابع

قرآن کریم (۱۳۶۷) (مهدی الهی قمشه‌ای، مترجم). تهران: بنیاد نشر قرآن.

اسمعیلی، معصومه (۱۳۹۳). ارائه الگوی خانواده‌درمانی سهم‌گذاری در حل تعارضات خانواده. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۵(۲۰)، ۲۷-۵۷.

باقری، خسرو (۱۳۹۹). عاملیت انسان: رویکردی دینی و فلسفی (جلد ۱). تهران: نشر واکاوش. باقری، خسرو (۱۴۰۰). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (جلد ۱). تهران: مدرسه.

باقری، فریبرز (۱۳۹۲). الگوی ارتباط والد-فرزندی: مدل فرزندپروری برمبنای هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی. دوفصلنامه پژوهشی مطالعات معارف اسلامی و علوم تربیتی، ۱(۱)، ۳۷-۵.

پاک‌نیا، عبدالکریم (۱۳۸۲). حقوق متقابل والدین و فرزندان. قم: کمال‌الملک. تجریشی. معصومه؛ عاشوری. محمد؛ افروز، غلام‌علی؛ ارجمندنیا، علی‌اکبر؛ و غباری بناب، باقر (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش برنامه والدگری مثبت بر تعامل مادر با کودک کم‌توان ذهنی. فصلنامه توان‌بخشی، ۱۶(۲)، ۱۲۹-۱۳۱.

دهقان‌پور، علی‌رضا؛ و بخشی، ژیلا (۱۳۹۴). معناشناسی احسان در قرآن. پژوهشنامه معارف قرآنی، ۵(۱۷)، ۶۱-۸۲.

راست‌گو، کبری؛ و قربانی مادوانی، زهره (۱۳۹۹). کارکرد معنایی و بلاغی مفاهیم هم‌نشین توافقی و تقابلی «انفاق» در قرآن کریم. پژوهشنامه قرآن و حدیث، ۱۳(۲۶)، ۱۱۳-۱۳۹. شولتز، دوان؛ و شولتز، سیدنی ال (۱۳۹۱). نظریه‌های شخصیت (یحیی سیدمحمدی، مترجم). تهران: نشر ویرایش.

قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور (چاپ ۱۱). تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷). الکافی (چاپ ۳). تهران: دارالکتب الإسلامیه. نصری، عبدالله (۱۳۹۴). مبانی انسان‌شناسی در قرآن (چاپ ۹). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

Dhariwala, H.; and Shwetha, T. S. (2020). Early Bonding, Parenting Styles and Development and Temperament: Association between Three-Generational Aspect of Parenting. *Indian Journal of Public Health Research*, 11(12), 25-44.

Holt, Kand Carnes (2012). Child-Parent Relationship Therapy for Adoptive Families. *The Family Journal*, 20(4), 419-426.

Williams, K.; and Ciarrochi, J. J. (2019). Perceived Parenting Styles and Values Development: A Longitudinal Study of Adolescents and Emerging Adults. *Journal of Research on Adolescence*, 10(3), 1-18.

